

## جمهوری آذربایجان!! واقعیت امروز- آران حقیقت دیروز

G/سرویس جمهوری آذربایجان

گرد آورنده : علیرضا خیاوی

جمهوری آذربایجان!! واقعیت امروز- آران حقیقت دیروز

نام کشور!

پیش ازبکارگیری نام جمهوری آذربایجان بر مناطق آران وشیروان این منطقه به همراه بخشی از قفقاز تا سال 1813 در بسیاری از برهه های تاریخی، ناحیه ای از ایران بوده است. این ناحیه از جنبه های مختلف هزاران سال با ایران دارای پیوند دیرین و مشترک و هم خوانی بوده است که در نتیجه بی کفایتی پادشاهان قاجار و دست اندازی های امپراتوری روسیه از ایران جدا شد. تا آن هنگام مردم قفقاز و آران، در هم خوانی های فرهنگی - دینی با هویت ایرانی قرار داشتند.

نوشته هایی که از تاریخ نویسان یونانی برجامانده است حکایت از این دارد که آذربایجان از نام «آتروپات» مشتق شده است. آتروپات یکی از سرداران ایرانی بود که در جنگ میان داریوش سوم، آخرین پادشاه هخامنشی و اسکندر مقدونی در نبرد گوگمل در سپاه ایران فرمانده مادها بود. پس از مرگ اسکندر قسمت شمالغرب ماد (آذربایجان فعلی ایران) به آتروپات رسید و در آنجا سردار ایرانی به ایجاد حکومت اقدام نمود و منطقه تحت حکومت خود را آتروپاتگان نامید. وجه تسمیه آتروپات متشکل از آترو به معنای آتش و پات به معنای نگهبان می باشد و آتشکده زرتشتیان نیز در این منطقه بوده است و اکثر تاریخ نویسان بخصوص مورخان یونانی محدوده جغرافیایی و قلمرو آذربایجان (آتروپاتگان) از شمالغربی از طریق رود ارس، از شمال به وسیله دریای خزر و از جنوب غربی به وسیله دریای ارومیه عنوان کرده اند در دوران باستان و سده های میانی سرزمین های شمالی رود ارس را آران می نامیده اند و اراضی جنوب آن را آذربایجان نامیده شده است پس از انقلاب اکتبر سال 1917 و کناره گیری روسیه از شرکت در نخستین جنگ جهانی، ترکان عثمانی نفوذ خود را در قفقاز گسترش دادند. سران حزب مساوات ابتدا با بلشویک های قفقاز نزدیک شدند، ولی سرانجام میانشان اختلاف افتاد و مساواتیان در تاریخ بیست و هفتم ماه مه سال 1918 در شهر تفلیس دولت خود را تشکیل دادند و به نام «جمهوری آذربایجان» اعلام استقلال کردند. اینجاست که برای اولین بار ، منطقه ای که در طول تاریخ آلبانیا ، اران و شروان نامیده می شد ، نام جعلی «جمهوری آذربایجان» را یافت . و این اقدام به شدت از سوی نویسندگان و مطبوعات وقت ایران از جمله شاعر بزرگ ایرانی ملک الشعرا بهار به شدت مورد اعتراض قرار گرفت . مطبوعات و نویسندگان ایرانی با نوشتن مقالات تحقیقی و با استناد به تاریخ اعلام کردند که نام آذربایجان در طول تاریخ فقط بر آذربایجان واقعی که در ایران است اطلاق شده و نامگذاری منطقه اران و شروان بدین نام ، صرفا با اهداف و اغراض سیاسی و پان ترکیستی است .

**محدوده جغرافیایی این کشور در قدیم :**

سرزمینی که در شمال رود ارس قرار دارد و امروزه با نام جمهوری آذربایجان شناخته می شود در گذشته ای نه چندان دور نامی داشت که در منابع تاریخی به نام اران یا آلبانیا خوانده می شد. مورخان و جغرافی نگاران قبل از میلاد همچون استرابون معتقدند این سرزمین شامل جنوب رشته کوه های قفقاز تا رود گر را از دریای خزر تا رود آلازان امتداد دارد و از جنوب به سرزمین آتروپاتن محدود است. درباره shy& محدودی جغرافیایی اران نظریه های متفاوتی وجود دارد فاصله میان رود ارس و در بند قفقاز که در شمال جمهوری آذربایجان و کنار دریای مازنداران قرار دارد یا سرزمین های دو طرف رود گر تا رود ارس همگی محدوده جغرافیایی است که در مورد اران از آنها یاد شده است.

**نام پایتخت !!**

شهر باکو از شهرهای کهن ایران زمین است که بنای آن را به خسرو یکم انوشیروان ساسانی نسبت داده اند. این شهر همواره بخشی از ایران زمین بوده است تا این که پس از جنگ های ایران و روس، نخست طی عهدنامه گلستان به سال ۱۲۲۸ق/۱۱۹۲خ/۱۸۱۳م به روسیه تزاری واگذار شد.

ایرانیان برای بازپس گیری آن جنگیدند و آن را گرفتند. اما دوباره طی عهدنامه ترکمان چای به سال ۱۲۴۴ق/۱۲۰۷خ/۱۸۲۸م به روسیه ی تزاری واگذار شد. از آن پس دیگر به ایران بازنگشت. شهر باکو از زمان باستان به خاطر نفت آن شناخته شده بود. به طوری که بهرام چوبین (از خاندان اشکانی مهران-پهلوی) که در زمان ساسانیان سپهبد و مرزبان شمال غرب ایران بود از نفت این منطقه برای ساخت سلاحی آتشین استفاده کرد که پس از وی نیز هم چنین کاربرد داشت و به کسی که از این سلاح استفاده می کرد «نفت انداز» می گفتند. نفت واژه ای اوستایی است و از زمان های قدیم در ایران شناخته شده بود و بسیاری از آتشکده های ایران بر روی چاه های نفت یا گاز طبیعی بنا شده بوده اند که بدون تلاش چندانی بر روی زمین می آمده است

اعتمادالسلطنه در «مرآت البلدان» به سال ۱۲۹۰ه.ق. (۱۲۵۲خ/۱۸۷۳م) در عبور از بادکوبه مختصری شرح حال شهر» را چنین نوشته است:

"بالجمله شهر بادکوبه از مداین قدیمه دنیا محسوب و در یکی از بروج دیوار شهر لوحی نصب و تاریخ تعمیر این شهر مرتسم شده است و تقریباً این تعمیر ششصد سال قبل شده... از اینیه قدیمه که در آنجا ملاحظه می شود برجی است بسیار مرتفع که موسوم به «برج دختر» است که بنای آن از سنگ و آجر شده و مشرف به بندرگاه است و حالا چراغ بحری برای هدایت کشتی هایی که از دریا شب می خواهند وارد بندرگاه شوند بر سر آن برج شبها روشن می نمایند..."

جالب است که در راستای ایرانی زدایی از این منطقه، ابتدا نام «بادکوبه» را به باکو و سپس به «باکی» برگردانده اند و برایش ریشه ی ترکی نیز پیدا کرده اند( به معنای تپه)!

**الفبای کشور:**

**تاریخ این ملتها را باید تغییر داد. باید برایشان تاریخ و فرهنگی ساخت که روسیه را مهاجم تلقی نکنند.** این در واقع سیاستی است که امپراطور روسیه تزاری پس از جنگهای نابرابر ایران و روس و تصرف بخشهای مهمی از ایران آن زماندر منطقه قفقاز و انعقاد معاهدات ننگین گلستان و ترکمانچای با دولت وقت ایران یعنیحکومت قاجاریه در مورد مردم ساکن در منطقه قفقاز یا جمهوری های کنونی این مناطقاچرا کرد.

درست است که روسیه تزاری در زمینه تاریخ سازی و جعل فرهنگی برایخلق های ساکن در منطقه قفقاز توفیق زیادی نداشت اما خلف روسیه تزاری یعنی رژیمآهنبین کمونیستی به ضرب و زور سرکوب و زندان و تبعید و کشتار عالمان دینی منطقهقفقاز توانست توفیق قابل توجهی به دست آورد. تاریخ و فرهنگ خلق های ساکن در منطقهقفقاز دوباره نویسی شد کتابهای نشاندهنده تاریخ و فرهنگ گذشته مردم قفقاز اعم ازجمهوریهای مستقل کنونی یعنی آذربایجان و ارمنستان و گرجستان و سایر مناطق از قبیلاذغستان به بهانه های مختلف از دسترس جمع آوری و نابود شدند. کمونیستها که ازغیرمسلمانان این منطقه بیم و هراس زیادی بخاطر تلاش برای اتصال به گذشته تاریخیخودشان نداشتند الفبای مخصوص گرجی ها و ارمنی های قفقاز را تغییر ندادند. اماالفبای مسلمانان قفقاز از این حیله کمونیستها مصون نماند. برای اینکه ارتباط مردممسلمان قفقاز با گذشته تاریخی شان بطور کامل قطع شود در جمهوری آذربایجان چندین بارالفبا تغییر داده شد که حاصل آن تربیت نسلهایی بود که نمی توانستند از کتب تاریخیخود که به زبان فارسی و نیز زبان آذری با الفبای فارسی - عربی نوشته شده است بهرهبرند. با حیله کمونیستها دیگر مردم جمهوری آذربایجان حتی نمی توانستندشعار زیبای نظامی گنجوی و ملا محمد فضولی را بخوانند و بفهمند. به این ترتیب راهبرای تحریف تاریخ و تاریخ سازی و جعل فرهنگ برای مردم جمهوری آذربایجان آماده شد. کمونیستها قهرمانان فرهنگی و بخصوص اسلامی در تاریخ این مردم را به بوته فراموشیسیپردند و ضد قهرمانان را به تاریخ آنها افزودند. برای ایجاد هویتی دروغین و غیرواقعی و بی ارتباط با حقایق تاریخی تلاش شد. حتی برای اینکه این هویت تحریف و جعلشده مورد پذیرش مردمان ساکن در منطقه قفقاز قرار گیرد متناقض با اصول رژیم کمونیستیکه ظاهرا برای ایجاد جامعه ای ورای ناسیونالیسم و



## جواد خان حاکم ایرانی گنجه:

هرچند در اصالت وصیت نامه پتر کبیر که نزدیک به صد سال پس از مرگ وی در جریان رقابت های توسعه طلبانه دولت های اروپایی در اوایل قرن 19م انتشار یافته تردید وجود دارد، اما این موضوع از اهمیت آن نمی‌شود. قفقاز مرکزی و جنوبی روزگاری جزئی از سرزمین ایران بود که در راستای همین وصیت نامه و به منظور گسترش مرزها و دسترسی به آب های آزاد و به تعبیری در راستای سیاست های زیاده خواهانه روس ها، در پی مقاومت فرزندان این سرزمین، به تصرف درآمد. از جمله مقاومت و استقامتی که از آن در تاریخ و اذهان مردم این دیار به ثبت رسیده، پایمردی و دلاوری SHY& های مردمان ولایت گنجه به فرماندهی حاکم ایرانی آن، جوادخان گنجه ای بود که تابعیت دولت مسلمان ایران را بر تبعیت از بیگانگان غیر مسلمان روسیه تزاری ترجیح داد و تا آخرین نفس برای اعتلای نام ایران و ایرانی ایستادگی کرد و در راه اعتلای وطن با خون خود ریشه SHY& های درخت مقاومت را سیراب کرد. در همین ارتباط حکایت ها و روایت های بسیاری ساخته شده که جواد خان گنجه ای در راه آذربایجان شهید شده است از نمونه های اخیر آن می توان به فیلم جواد خان گنجه ای که با بیش از 2 میلیون دلار (از بودجه دولتی) ساخته و به اکران در آمد در این فیلم که سراسر تاریخ آن مقطع تحریف شده است جواد خان به عنوان یک آذری و تنها در راه استقلال آذربایجان جنگ نموده و جالب تر که نویسنده آن صابر رستم خانی که یکی از افراد ایران و شیعه ستیز جمهوری آذربایجان می باشد.

## بابک خرمین و داستان تحریف تاریخ آذربایجان:

گروه هایی که خود را «پان ترکیست» می نامند، با این بهانه که دژ بابک در آذربایجان قرار دارد، بابک را ترک نژادی می دانند که برای رهایی خلق ترک! از ستم شوونیست های فارس! قیام کرده است. برگزاری مراسمی در تیرماه هر سال و برافراشتن پرچم کشور بیگانه در قلعه بابک، در پی تاریخ سازی برای آذربایجانی هایی هستند که هرچند زبانشان ترکی است، اما تبار، فرهنگ، مذهب و تاریخشان تفاوتی با سایر ایرانیان ندارد. کتاب هایی چون: اخبار الطوال (دینوری)، الانساب (سمعی)، تاریخ ابن خلدون، تاریخ بلعمی، تاریخ طبرستان (کاتب)، تاریخ طبری، تاریخ الکامل (ابن اثیر)، تاریخ گزیده (حمدالله مستوفی)، تاریخ مقدسی، مختصر الدول (ابن عبری)، التنبیه و الاشراف (مسعودی)، تقویم التواریخ (حاج خلیفه)، دول الاسلام (ذهبی)، جوامع الحکایات و لوامع الروایات (محمد عوفی)، سیاست نامه یا سیرالملوک (نظام الملک)، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب (حنبلی)، زین الاخبار (گردیزی)، الفرق بین الفرق (بغدادی)، الفهرست (ابن ندیم) و نگارستان (قاضی احمد غفاری) که از منابع معتبر و دست اول همه پژوهشگران، در این زمینه محسوب می شوند، هیچ یک، حتی کوچک ترین اشاره ای به این که تبار بابک از ترکان بوده، نداشته اند.

## جعل حادثه 31 دسامبر:

در زمستان سال 68 شمسی (31 دسامبر) عده ای زیادی از مردم جمهوری آذربایجان پس از تحمل دو قرن دوری به شوق دیدار از ایران در اقدامی متحیرانه پس از عبور از موانع مرزی متعدد مرزبانی شوروی به رود ارس زده و پس از تحمل سختی های فراوان و عبور از رود خروشان ارس خور را به این سوی مرز رساندند تصاویر زیادی از این لحظات تاریخی به ثبت رسیده است که چگونه آن مردمان پس از عبور از رود ارس اشک شوق ریخته و خدای خود را شکر کردند این واقعه یکی از دلایل قاطع برای اثبات حس ایران دوستی مردم آذربایجان است که متأسفانه حاکمیت آذربایجان با ترفندهای مختلف نسبت به تحریف آن اقدام نموده و طوری وانمود نموده که مردم آن زمان به شوق دیدار بخشی از خاک جدا شده آذربایجان اینگونه اقدام نمودند و هر ساله نیز در سالروز چنین روزی با نمایش این صحنه ها بدون پخش مصاحبه های انجام شده، آن را سمبل وحدت و همبستگی بین آذربایجانیها قلمداد کرده و به این مناسبت 31 دسامبر را روز همبستگی ملی آذربایجان اعلام کرده و جشن های مفصلی تدارک دیده و این روز را تعطیل ملی اعلام کرده اند در این خصوص برنامه ریزیهای مفصلی نیز تدارک دیده اند و متأسفانه در حال حاضر این سیاست دولتمردان آذربایجان در حال تداوم است.

## بررسی کتاب درسی تاریخ دوره متوسط در این کشور :

تعلیم و تربیت در نظام آموزش عمومی ممالک مختلف کوشش منظم و حساب شده برای ارتقای سطح آگاهی های علمی، سیاسی و اجتماعی مردم آن کشورها محسوب می شود. اجرای برخی طرح SHY& های آموزشی از جمله تدوین کتابهای درسی را راستای جهت گیری های اصلی نظام آموزش برای اهداف مختلف اعم از سیاسی، اجتماعی و علمی امری بدیهی در تمامی کشورهاست. در میان کتابهای درسی، کتاب درسی آموزش تاریخ در ممالک مختلف بلحاظ تاثیر گذاری ویژه در هویت تاریخی و ملی جوامع هماهنگ با اهداف کلی نظام های سیاسی تهیه و تنظیم می SHY& شوند و ای بسا بخاطر ملاحظات سیاسی و فرهنگی از حقیقت وقایع تاریخی فاصله گرفته و در شکل گیری تفکر مردم آن کشورها و در ارتباط با مسائل داخلی و خارجی خصوصاً ممالک همسایه تاثیرات منفی گذاشته و احياناً موجبات اختلافات عدیده و تنش در روابط فی مابین می شوند.

بررسی کتابهای آموزش تاریخ در کشورهای همسایه ایران خصوصاً کشورهای جدید استقلال یافته از اتحاد جماهیر شوروی که در روزگاری نه چندان دور قسمتی از خاک ایران بزرگ محسوب می شدند از جهات مختلف خصوصاً بلحاظ داشتن تاریخ و فرهنگ مشترک از اهمیت بیشتری برخوردار می باشند. در میان کشورهای اشاره شده در بالا بررسی کتاب SHY& های آموزش جمهوری آذربایجان از ضرورتی مضاعف برخوردار می باشد چرا که قرابت های تاریخی و فرهنگی و سیاسی دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان ایجاب می نماید که برای تقویت آن تلاش و همچنین در صورت بروز وجود خطاهای سهوی و عمدی که موجب تضعیف روابط فرهنگی و سیاسی می شود نسبت به اصلاح بموقع آن اقدام لازم به عمل آید.

اگرچه از اهداف تدوین کنندگان کتاب مذکور آشنا ساختن دانش آموزان آن کشور نسبت به کشور و ملت بزرگ ایران که در واقع وطن اصلی آنان نیز محسوب می شود بوده، اما سعی در ایجاد اختلافات تاریخی بین دو ملت شده است. به طوری که در مورد وقوع جنگ SHY& های مذکور چنین مطرح شده است. که گویا بین دو قدرت زمانه یعنی روسیه تزاری و ایران عصر قاجاری بخاطر سیستم SHY& های قدرت طلبی و توسعه طلبی هر دو طرف در منطقه قفقاز آتش جنگ شعله ور شده و در نتیجه این جنگها وطن مادری آنان یعنی آذربایجان بزرگ به دو نیمه شمالی و جنوبی تقسیم شده است حال آنکه اساساً در آن زمان نه تنها کشوری به نام آذربایجان وجود نداشته بلکه تمامی منطقه قفقاز به یکی از مناطق جغرافیایی ایران محسوب می شد و همچنان که قبلاً نیز اشاره شد منطقه ای که امروزه بنام جمهوری آذربایجان نامیده می شود نام آذربایجان نداشته بلکه نام تاریخی آن آران و شروان بوده که بعدها همانطور که اشاره شد در سال 1918 میلادی نام آذربایجان بر این منطقه گذارده شده است.

همچنین در کتاب های درسی دولت باکو به 9 استان ایران، ادعای ارضی شده و حتی جالب آن که مازندران و گیلان هم جزو آذربایجان به شمار آمده اند!... در این کتاب ها مزدک، کمونیست دانسته شده و از ازدواج با محارم به عنوان یک سنت بابکی، دفاع شده است. همچنین از دوره چنگیز و تیمور به عنوان دوران طلایی تاریخ یاد شده است! با توجه به تحریکات مشکوک دولت باکو در تحریف تاریخ، حدود آذربایجان و اران و شروان، هم اکنون شاهد گسترش تبلیغات منفی علیه ایرانیان و چاپ کتاب های رسمی و غیر رسمی علیه تمامیت ارضی ایران هستیم. پس از فروپاشی شوروی و استقلال اران با نام جمهوری آذربایجان، جریانات ضد ایرانی با حضور «ابو الفضل ایلچی بیگ»، قدرت را به دست گرفتند و دیگر بار، جریان ایران ستیزی در آن سامان آغاز شد و دستمایه این تبلیغات و جریان، همان ایده های شرق شناسان شوروی پیشین با نگاه کمونیستی بود که تلاش می کردند با هر ترفندی، بین ملت بزرگ ایران و مردم شمال ارس خطوط پرنرنگی ترسیم کنند تا علاقه ای به زندگی مشترک و دوستانه بین این ملت واحد جدا افتاده از هم ایجاد نشود.

در کتاب های درسی جمهوری آذربایجان، ادعا شده است، پانصد سال پیش کشوری به نام آذربایجان! وجود داشته که اردبیل و تبریز هم جزو آن بودند و ایرانیان از زمان کوروش (بزرگ) به این سرزمین تجاوز می کرده اند! همه هنر ایران، آذری فرض و تعریف شده و حتی شاعران پارسی گوی چون خاقانی و خواجه نصیرالدین طوسی نیز همانطور که قبلاً متذکر شده بودیم ترک تبار فرض شده اند...

در کتاب تاریخ کلاس 11 این جمهوری درخصوص فعالیت تجزیه طلبانه فرقه دموکرات آذربایجان با ادبیات دوران مارکسیستی به اضافه چاشنی شوونیستی به طرح مباحث جعلی و غیر واقعی می پردازد که ازبطن آن تمایلات سیاسی این جمهوری برای ایجاد تحریکات قومی در آذربایجان ایران کاملاً به چشم می خورد درهمین کتاب دربحث اصلاحات ارضی و انقلاب سفید، همان ادبیات

مارکسیستی را باچاشنی تحریکات قومی مشاهده می‌کنیم؛ درحالی که رژیم پهلوی به تمام ایرانیان و روستائیان ظلم کرده. بحث کشاورزان آذربایجانی با شدت فراوانی مطرح می‌شود. طرح مسائلی نظیر فارسی کردن خلق‌ها هم بیشتر از اینکه جنبه دفاع ازخلق را دربرداشته باشد، ناظر برتحریک قومیت‌هاست. دربحث قیام 29 بهمن تبریز نیز، این کتاب شرکت مردم مسلمان تبریزرا درتمام انقلاب اسلامی درقالب حرکتی قومی مطرح کرده و سردمدار آن را گروه‌های مارکسیستی و التقاطی نظیر چریک‌های فدائی خلق سازمان مجاهدین خلق معرفی می‌کند.

و در بخش پس ازانقلاب تشویق به تجزیه طلبی کاملاً به چشم می‌خورد و با ارائه تصویری نادرست از مردم آذربایجان تلاش می‌شود آنان را رودرروی نظام اسلامی ترسیم نمایند. این گوشه‌ای از اقدامات حاکمیت جمهوری آذربایجان در جعل تاریخ بوده و آخرین آن نیز نخواهد بود لذا باید در این خصوص فکری اندیشیده شود و تدابیری اتخاذ گردد چرا که در ادامه این تحریفات در آینده‌ای نچندان دور هزینه‌های سنگینی را به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران متحمل خواهد کرد.

#### منابع و ماخذ:

از بادکوبه ایرانی تا باکو امریکایی دکتر برات شمسا

تحریف و توهم علیرضا بهبودی

غلامحسین آگاهی سایت تحلیلی حقایق بزرگ قفقاز

سیری تاریخی در نام اران و آذربایجان\* محمود طاهر زاده &ndash; تبریز

محدوده جغرافیایی جمهوری آذربایجان در قدیم (اران) ذوالفقار دیده‌شورا

القبای جمهوری آذربایجان روزنامه جمهوری اسلامی

خبرگزاری ترند

خبرگزاری آران

استاد شهریار و ملیت پرشکوه ایرانی داود دشتبانی

تحریف نهضت آزادستان در باکو حسن گلی

بابک خرم‌دین و داستان تحریف تاریخ آذربایجان مسعود لقمان

روایت جنگ‌های ایران و روس در کتاب‌های تاریخی جمهوری آذربایجان مسعود عرفانیان

جواد خان حاکم ایرانی گنجه سید رضا حسینی

ایران زدایی و تغییر ریشه ایرانی باکو و بلاگ محمد رضا اسد زاده

سایت خبری و تحلیلی ایراس